

**The Nature and Components of Hayat e Tayyibah and the Time Span for its Realization
in the Islamic Lifestyle**

Received: 09/09/2022

Accepted: 17/01/2023

Zohreh Nabavi *

(277-300)

From the Qur'anic point of view, the ultimate goal of life is to draw closer to God and since getting closer to God is the attainment of all perfections, beauties, pleasures, and eternal bliss, there is no higher goal than that. Therefore, we must choose a conduct and lifestyle that helps us to achieve this important goal, and when this goal is achieved and a person's lifestyle is based on this goal, then life will have the quality of a purified life - Hayat e Tayyibah - and it becomes stable and immortal. Hayat e Tayyibah is one of the key concepts of the Holy Quran in explaining the Islamic lifestyle, which is achieved with the help of faith and righteous deeds: A lifestyle in light of which not only there is a change in the way man views the world but also there is a change in the way he interacts with God and other creatures. This study aims to examine the Islamic lifestyle by defining the nature of Hayat e Tayyebah, the time span of its realization and the components of achieving it in order to attain an Islamic lifestyle from the perspective of the verse no. 97 of Surah Nahl (Bee). The findings of this article indicate that the Holy Quran meets all human needs in all areas of his life, and by stating the characteristics of the Islamic lifestyle, the necessity of deriving the lifestyle from the Qur'an becomes more apparent.

Keywords: Holy Quran, Hayat e Tayyebah, Islamic Lifestyle.

*. Assistant Professor of Islamic Studies, Tehran Payam Noor University, Tehran, Iran, z.nabavi89@gmail.com.



ماهیت و مؤلفه‌های حیات طیبه و ظرف تحقق آن در سبک زندگی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

زهره سادات نبوی*

(۲۷۷-۳۰۰)

چکیده

حیات طیبه از مفاهیم کلیدی قرآن کریم در تبیین سبک زندگی اسلامی است که با استمداد از ایمان و عمل صالح محقق می‌شود؛ حیاتی که در پرتو تلبس به آن، علاوه بر دگرگونی در شیوه نگرش انسان به جهان، نحوه تعامل وی با خداوند و سایر مخلوقات او نیز دستخوش تغییر می‌شود. این پژوهش بر آن است که سبک زندگی اسلامی را با تعریفی از ماهیت حیات طیبه، ظرف تحقق و مؤلفه‌های دستیابی به آن در راستای رسیدن به سبک زندگی اسلامی از منظر آیه ۹۷ سوره مبارک نحل بررسی کند. نتیجه این مقاله آن است که قرآن کریم پاسخ‌گوی تمام نیازهای بشری در همه حوزه‌های زندگی اوست و با بیان ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی، ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن بیش از پیش آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حیات طیبه، سبک زندگی اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از دیدگاه قرآن هدف نهایی زندگی، تقرب به خداوند است و هیچ هدفی متعالی‌تر از آن وجود ندارد؛ زیرا تقرب به خداوند رسیدن به همه کمالات، زیبایی‌ها، لذت‌ها و سعادت ابدی است. لذا باید روش و سبک زندگی خود را چنان قرار دهیم که به این مهم دست یابیم و چنانچه این هدف محقق شود و شیوه و سبک زندگی فرد بر پایه تقرب به خداوند ترسیم شود، در این هنگام است که زندگی طعم حیات طیبه را پیدا می‌کند و پایدار و فناپذیر می‌شود. از آنجاکه ارائه سبک زندگی اسلامی با شیوه سیستماتیک و نیز قانونمند کردن آن برای همه بشر آن‌گونه که شایسته این مهم باشد چندان مورد توجه قرار نگرفته، پژوهش در حیات طیبه که اصطلاحی قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد.

مفهوم حیات طیبه از مفاهیمی است که تنها یک بار در قرآن آمده است. انسانی که واجد موهبت حیات طیبه است، هرچند ظواهر حرکات و افعالش همانند دیگران است، شعور و اراده‌ای برتر از دیگران دارد و علاوه بر حیات نباتی و حیوانی، از حیات انسانی نیز برخوردار است و از این جهت آنچه فاقدان حیات طیبه را آزرده یا ترسان می‌کند در وی ایجاد خوف و حزن نمی‌کند؛ زیرا آنچه دارایی چنین شخصی است، یعنی حضور در محضر الهی، هرگز در معرض نابودی قرار ندارد و به سعادت و کامیابی او خدش‌های وارد نمی‌شود. زندگی چنین انسانی که تحت ولایت الهی است، در پرتو قناعت و رضایت به قضای الهی و با استمداد از طاعات و عبادات مملو از نشاط و امنیت و سعادت است. چگونگی رهیافت به این زندگی جاودان، اساسی‌ترین دغدغه جهت وصول به سبک زندگی اسلامی است.

یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که حیات سبب حس و حرکت در همه موجودات است، حیات طیبه نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌شود.

معنای حیات

حیات از مخلوقات خداوند است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ» (ملک: ۲) که دو معنا دارد: یکی «حیات» در برابر مرگ و دیگری «حیا» نقطه مقابل وقاحت و بی‌شرمی؛ ولی بعضی از محققان هر دو را به یک ریشه بازگردانده و گفته‌اند حیا و استحیا نیز نوعی طلب حیات و سلامت است، در برابر وقاحت و بی‌شرمی که نوعی از دست دادن زندگی و سلامت شمرده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ الف، ج ۴: ۲۰۰).

معنای حیات در قرآن کریم

حیات در قرآن کریم در چندین معنای متفاوت به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ب، ج ۷: ۱۲۶-۱۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۸-۲۶۹):

(الف) زندگی نباتی گیاهان و حیوانات: «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید: ۱۷)؛

(ب) زندگی حیوانی: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى» (بقره: ۲۶۰)؛

(پ) حیات فکری و عقلانی: «أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ» (انعام: ۱۲۲)؛

(ت) زندگی جاویدان: «يَا لَيْتَنِي قَدِمْتُ لِحَيَاتِي» (فجر: ۳۴)؛

(ث) حیات دنیوی و اخروی: تقسیم‌بندی دیگری نیز از حیات به اعتبار دنیا و آخرت صورت می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۲۹۹): «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» (بقره: ۸۰)؛ (ج) حیات خدا: حیات واقعی که تنها درباره ذات باری تعالی به کار می‌رود: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره: ۲۵۵؛ آل عمران: ۲).

حیات معنای گسترده‌ای دارد که از همه بالاتر درباره خداوند به کار می‌رود؛ زیرا حیات حقیقی و ازلی و ابدی و ثابت و پایدار که هیچ‌گونه مرگی در آن نیست، فقط حیات خداوند است. حیات او هیچ شباهتی به حیات سایر موجودات زنده ندارد. حیات او «ذاتی»، «ازلی»، «ابدی»، «تغییرناپذیر» و خالی از هرگونه نقص و محدودیت است.

معنای طبیبه

طبیبه به معنای پاک، حلال و امثال آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۵۲۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ الف، ج ۱: ۵۰۳) و از آنجاکه در قرآن به همراه «حلال» آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ

كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره: ۱۶۸)، آن را به پاکیزه تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند «طیب» به چیزهای «پاکیزه» گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است، نقطه مقابل خبیث که طبع آدمی از آن تنفر دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ب، ج ۱: ۵۶۹).

طیب مقابل خبیث

علامه طباطبایی می‌فرماید: «کلمه طیب در مقابل کلمه خبیث معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می‌دهد، مثل "کلمه طیب" که به معنای آن سخنی است که گوش از شنیدن آن خوشش می‌آید و همین‌گونه است "عطر طیب" که شامه آدمی از بوی آن خوشش می‌آید و "مکان طیب" یعنی آن محلی که با حال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ الف، ج ۱: ۶۳۱).

خداوند متعال در آیه ۱۰۰ سوره مانده و ۳۷ سوره انفال و همچنین در آیه ۲ سوره نساء به تضاد و تقابل خبیث در مقابل طیب اشاره فرموده است.

موصوفات طیب در قرآن

در قرآن کریم «الطیب» و «الطيبه» برای توصیف این موارد به کار رفته است: مسکن (توبه: ۷۲؛ صف: ۱۲)؛ خاک (نساء: ۴۳؛ مانده: ۶)؛ خوردنی‌ها (بقره: ۱۶۸)؛ شهر (سبأ: ۱۵)؛ باد (یونس: ۲۲)؛ غنیمت (انفال: ۶۹)؛ سخن و کلام (فاطر: ۱۰)؛ درخت و شجره (ابراهیم: ۲۴)؛ ذریه و فرزندان (آل عمران: ۳۸)؛ زنان و مردان (نور: ۲۶)؛ تحیت پروردگار (نور: ۶۱)؛ حیات و زندگی (نحل: ۹۷).

معنای سبک زندگی

سبک زندگی را می‌توان شیوه زندگی دانست که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است که شامل عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... می‌شود که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.

مفهوم سبک زندگی از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره‌ای از واقعیت‌های فرهنگی جامعه، آن را مطرح می‌کنند و به کار می‌برند و دامنه به‌کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج

بسیاری یافته است. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. سبک زندگی معنایی است که از به‌هم‌تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند به وجود آمده است.

فیلیپ کوین می‌گوید: زندگی معنادار زندگی‌ای است که ارزش زیستن داشته باشد و زندگی‌ای ارزش زیستن دارد که ارزش‌های آن چنان گسترده است که هر فرد انسانی همچنان می‌تواند ارزش‌های مطلوب خویش را در آن بیابد و لازمه چنین زندگی‌ای، جاودانگی هر فرد انسانی است. ولی باید توجه داشت که زندگی‌ای شایسته زیستن است که معنادار، اخلاقی و توأم با خوشبختی باشد (بیات، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

تقریباً در بیشتر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است و در واقع هر دو مفهوم هم به‌واژه «سبک» بازمی‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق؛ به این معنا که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم‌وبیش به‌طور نظام‌مند باهم ارتباط دارند و شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت، هویت و تمایز، در بیانات اخیر رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است. مقام معظم رهبری که سردمدار احیای سبک زندگی اسلامی در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آیند سبک زندگی را «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف کرده‌اند (جعفرزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۹)، اما آنچه در تعریف‌های سبک زندگی جلوه‌گر می‌شود آن است که این تعریف قرابت بسیاری با مفهوم هویت پیدا می‌کند، با این تفاوت که علاوه بر هویت، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می‌شود و می‌توان مثال‌ها و مصداق‌هایی از زندگی واقعی شاهد آورد.

مسئله زندگی بستگی به این دارد که هدف از زندگی چه باشد. شیوه زندگی انسان، شیوه تعقل انسان است. دکتر دینانی در این باره می‌گویند: زندگی هر انسانی برآمده از عقل اوست و به تعداد مراتب عقل، شیوه زندگی وجود دارد و زندگی در صورت فوران و هیجان عقل و عشق پر معناتر و پویاتر می‌شود (فیضی، ۱۳۸۸: ۷۵). همچنین آیت‌الله مصطفوی می‌فرماید: زندگی برای این است که انسان کاری بکند که عنداللهی بشود، و الا آنچه در نزد آدمی است تمام می‌شود. بنابراین اگر کسی خود را متصل به خدا کند و متصل به هدف دائمی بنماید که «حی الذی لا یموت» است، نمی‌میرد و متصل به حق می‌شود. اینجاست که زندگی معنا پیدا می‌کند (همان: ۵۸۷).

سبک زندگی اسلامی

وقتی می‌گوییم دین اسلام برای تمام عرصه‌های زندگی فرد مسلمان حرفی برای گفتن دارد، به این معناست که می‌تواند و می‌باید زندگی خود را بر اساس اصول و آموزه‌های دینی شکل دهد و بر اساس نگاه و فلسفه دینی، سبک زندگی خود را طراحی یا انتخاب کند؛ سبکی از زندگی که قرآن کریم از آن به عنوان حیات طیبه نام می‌برد. در واقع سبک زندگی اسلامی عبارت است از: شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی یا اجتماعی که بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی شکل گرفته باشد.

تحلیل ماهوی حیات طیبه

نخستین نکته درباره بحث حیات طیبه، تحلیل ماهوی آن است؛ اینکه قرآن کریم در به کار بردن این اصطلاح چه معنایی را مد نظر دارد؟

مهم‌ترین مسئله در تعریف حیات طیبه، پرسش از نسبت وصف با موصوف است. آیا تعبیر در این آیه وصف به حال متعلق شیء است یا خود شیء؟ جمهور مفسران اموری از حیات را نشان داده‌اند و طیب بودن آن را در آنها جست‌وجو کرده‌اند، ولی مفسران ژرف‌نگر مانند ابن عربی، بانوی اصفهانی و علامه طباطبایی، طیبیه را وصف حقیقی و نه مجازی خود حیات می‌دانند و پاکیزه بودن خود زندگانی را تفسیر می‌کنند.

دشواری این تفسیر، هم در امکان تحقق آن است و هم در ظرف تحقق آن. آیا جز

خداوند، موجودی حیات خالص بدون درآمیختگی و آلودگی با مرگ و فنا و نقصان دارد؟ و آیا حیات حقیقتاً طیب در این جهان و در زندگی دنیوی قابل تحقق است؟ مزیت حقیقی‌انگاری وصف طیب برای خود حیات آن است که عظمت و بزرگی پاداش یا به تعبیر دقیق‌تر نتیجه پاسخ مثبت به وحی و ایمان و عمل صالح را نشان می‌دهد و نظام‌های تربیتی دیگر را به تحدی می‌خواند. نتیجه نظام تربیتی و سبک زندگی قرآنی، زنده شدن به حیاتی است که حقیقتاً خالص، بدون آلودگی و آمیختگی از هر امر دیگری چون مرگ، فنا و غم است. این امر فراتر از اموری طیب در زندگی و ژرف‌تر از بهینه شدن شیوه و سبک زندگی است. از دیگر مزایای چنین تفسیری پیوند معنادار بین «فلنحینه» و «حیات طیبیه» است و نیازی به مجازانگاری در حیات‌بخشی وجود ندارد.

نظر علامه طباطبایی به عنوان نظریه‌ای متفاوت و البته تفسیر مختار این پژوهش تشریح می‌شود. علامه طباطبایی با تأکید بر حقیقی و نه مجازی بودن «فلنحینه» در این آیه و ترجمه آن به «تکوین حیات ابتدایی جدید» و نه تحول حیات از صورتی به صورت دیگر، حیات طیبیه را تفسیر می‌کند. وی از طریق آثار حقیقی حیات طیبیه آن را تعریف کرده و معتقد است فرد برای خود زندگانی‌ای پاکیزه، همیشگی و جاودان می‌یابد، که تدبیر امورش جز به پروردگار غفور و ودود نیست و در فرایند زیست هیچ امری را نمی‌بیند، مگر اینکه نیکو و زیبا بیابد و چنین انسانی در خود نور، بها، کمال، قوت، عزت، لذت و سرور بی‌کران را تجربه می‌کند و در توصیف آن می‌گوید: «زندگانی همیشگی عاری از زوال، نعمت ماندگار بدون فنا، درد و کدورت و زندگی همراه با خیر و سعادت و عاری از شقاوت» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق الف، ج ۱۲: ۳۴۳).

متأخران در تحلیل مفهومی حیات طیبیه بسط بیشتری داده‌اند. توجه به تمایز حیات طیبیه از زندگی عادی، برخی از آنان را به استفاده از واژه‌های زندگی حقیقی و مجازی، زندگی واقعی معنوی و زندگی صوری واداشته است.

ظرف تحقق حیات طیبیه

دومین موضوع چالش برانگیز درباره حیات طیبیه، ظرف تحقق آن است. مفسران در اینکه

حیات طیبه در کدام جهان تحقق می‌یابد و مؤمنان و صالحان در این جهان دنیوی به حیات طیبه دست می‌یابند یا این زندگی در جهان دیگر دست‌یافتنی است، اختلاف نظر دارند. ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی در تفسیر مآثور خود، طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای از دیدگاه‌های مفسران سلف ارائه می‌کند: دنیوی دانستن حیات طیبه، آخرت‌انگاری آن و قول به اینکه ظرف تحقق حیات طیبه قبر است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۸۲). قول سوم در برخی منابع متأخر به صورت برزخ نیز تعبیر شده است. فخرالدین رازی که با ابن جوزی هم‌روزگار است همین طبقه‌بندی سه‌گانه را بیان می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۹۰). بر طبقه‌بندی ابن جوزی، دیدگاه چهارمی را نیز می‌توان افزود و آن دیدگاه کسانی است که حیات طیبه را در ظرفی اعم از دنیا و آخرت تفسیر می‌کنند.

دلایل مفسران در دنیوی یا اخروی دانستن حیات طیبه

آن دسته از مفسران که تحقق حیات طیبه را در همین جهان و زندگی دنیایی یا در آخرت و زندگی اخروی می‌دانند، دلایل گوناگونی را در تصدیق نظریات خود ارائه می‌دهند. این دلایل عبارت‌اند از:

الف) سیاق آیه: برخی مفسران بر این عقیده‌اند که سیاق آیه نشان از این جهانی بودن حیات طیبه است؛ زیرا وعده حیات طیبه پس از وعید غیر مؤمنان و غیر صالحان به عقوبت در همین دنیا آمده است. بنابراین پاداش مؤمنان یعنی حیات طیبه نیز به همین دنیا متعلق است (طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۴۲۴):

ب) عدم گشایش در روزی برخی مؤمنان در دنیا: دلیل دیگر برخی مفسران در باب دنیوی یا اخروی دانستن حیات طیبه این است که برخی مؤمنان در این دنیا گشایش در رزق ندارند، اما چون رضایت به خواست الهی دارند، خداوند ناظر به همین سختی در معیشت و رضایت آنها بر قضای الهی خبر می‌دهد که آنان علاوه بر حیات طیبه در همین جهان که در رضایت آنها و رضایت خدا معنا می‌یابد از اجر و ثواب اخروی «باحسن ما کانوا یعملون» نیز برخوردار خواهند بود (همان)؛

پ) وعده دو پاداش دنیوی و اخروی پس از حیات طیبه: دلیل گروه دیگری از مفسران

که ظرف تحقق حیات طیبه را این جهان مادی و نیز جهان آخرت می‌دانند آن است که در این آیه پس از حیات طیبه، عبارت «ولنجزینهم باحسن ما كانوا یعملون» آمده و ظاهر حکایت می‌کند که دو پاداش به ترتیب دنیوی و اخروی در میان است (طبرسی، ۱۳۷۷ الف، ج ۳: ۳۱۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۳۳؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۵۹۲).

چنان‌که در طبقه‌بندی ابن جوزی از آرای مفسران بیان شد، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که حیات طیبه را به قبر و برزخ متعلق می‌داند. بر اساس این دیدگاه می‌توان برای رفع ابهام تکرار، به جای قول به دنیایی بودن حیات طیبه، آن را امری متعلق به قبر و برزخ دانست.

چیستی ماهیت حیات طیبه در ظرف دنیا

معتقدان به دنیایی بودن حیات طیبه با این سؤال روبه‌رو می‌شوند که آیا اساساً زندگانی این جهانی می‌تواند طیب و پاکیزه از رنج و درد و نقصان باشد؟

آنان باید چگونگی طیب بودن حیات مؤمنان صالح را در زندگی همین دنیا توضیح دهند. بیان نخست از آن زمخشری است که نزد غالب مفسران متأخر پذیرفته شده و با ارجاع یا بدون ارجاع بیان شده است. او در تبیین نظریه خود می‌گوید:

زندگی مؤمن صالح، یا در رفاه است و یا در سختی و تنگ‌دستی. اگر زندگی مرفهی دارد که در خوش و نیکو بودن زندگی اش سخنی نیست و اگر زندگانی او در سختی و ناداری است، او از امری برخوردار است که زندگی اش را خوش و نیکو می‌سازد، و آن قناعت و خرسندی به قسمت الهی است. اما زندگانی شخص فاجر برعکس است؛ زیرا یا او در رفاه می‌زید و یا در تنگ‌دستی است. اگر در تنگ‌دستی باشد، زندگی نیکو و خوشی ندارد، اما اگر در رفاه باشد، او از خصیصه‌ای برخوردار است که زندگی را برایش ناگوار و تلخ می‌کند، و آن حرص بی‌پایان و طمع سیری‌ناپذیر اوست (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۳۳).

فخرالدین رازی «اطیب» یعنی نیکوتر بودن معیشت مؤمن در دنیا را از معیشت کافر با پنج دلیل بیان می‌کند که البته باید گفت تحلیل زمخشری و رازی هر دو بر مقایسه مؤمن صالح و کافر فاجر با رویکرد پیشینی (و نه پسینی) استوار است.

تفسیر عرفانی طیب بودن حیات مؤمن صالح را به طرق دیگری از جمله موت ارادی

تیین می‌کنند. به‌عنوان نمونه نخجوانی می‌نویسد: «پس از آنکه فرد به‌وسیله مرگ ارادی از لوازم بشری فنا یابد و به اراده از مقتضیات اوصاف حیوانی و بهیمی فاصله بگیرد، زندگی خالص می‌یابد [و در نتیجه بدون مرگ‌هراسی] و خالی از آلودگی زندگی می‌کند» (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱: ۴۳۷).

علامه طباطبایی بر پایه ره‌آورد عرفانی و فلسفی، به‌ویژه بر اساس حکمت متعالیه، تحلیل ژرفی از طیب بودن زندگی مؤمن صالح در همین دنیا دارد. وی فهم چگونگی آن را در گرو تفسیر صحیح از «فلنحینه» یعنی حیات نو دادن و نه تحول عرضی بر حیات پیشین می‌داند. تفاوت اساسی مبنای علامه با پیشینیان، در جوهری و عرضی دانستن طیب بودن حیات است.

مؤلفه‌های لازم در دستیابی به حیات طیبه (سبک زندگی اسلامی)

می‌توان گفت حیات طیبه ره‌آورد سیر الی‌الله است که مؤمنان راستین با پیمودن مسیر بندگی و اطاعت الهی و توأم کردن ایمان و عمل صالح به آن نائل می‌آیند و از ثمرها و نتایجش بهره‌مند می‌شوند و در همه ابعاد وجودی خویش از پلیدی برکنار خواهند شد. این همان سبک زندگی اسلامی است که قرآن به همه زنان و مردان مؤمن که عمل صالح می‌کنند وعده داده است.

اولین مؤلفه حیات طیبه: «قناعت»

اینکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها قناعت است و داشتن قناعت به معنای حیات طیبه است، در واقع از نظریات رایج در تفاسیر است. به برخی از این نظریات به‌اجمال اشاره می‌کنیم. گروهی از مفسران این دیدگاه را از حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند. بررسی تاریخی تفاسیر نشان می‌دهد اولین کسی که این تفسیر را از قول امام اول شیعیان نقل کرده، طبری در جامع البیان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۱۶). در قرن یازدهم ملامحسن فیض کاشانی در تفسیر الصافی به‌عنوان نخستین مفسر شیعی، این قول را به حضرت علی علیه السلام استناد داده است. البته گفتنی است که تفاسیر شیعی متقدم غالباً تفسیر حیات طیبه به قناعت را با ارجاع به نهج‌البلاغه آورده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱۳۳۰، کلمات قصار ۲۲۹). در این قسمت به

ترتیب تاریخی به نام برخی از این مفسران اشاره می‌شود: ثعلبی نیشابوری (۱۴۲۲ق، ج ۶: ۴۰)، ابن جوزی (۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۸۲)، ابن عطیه (۱۴۲۲ق، ج ۳: ۴۱۹)، قرطبی (۱۳۶۴، ج ۱۱: ۱۷۴) و ده‌ها تفاسیر دیگر که برخی با استناد به نقل ابن عباس، مفهوم حیات طیبه را قناعت فرض کرده‌اند و برخی دیگر با استناد به روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ، مصداق حیات طیبه را قناعت دانسته‌اند.

سؤالی که در این موضع مطرح می‌شود این است که آیا هر قانعی دارای حیات طیبه است یا اینکه هرکس حیات طیبه دارد قناعت نیز دارد؟ باید گفت در واقع اگر کسی قناعت بورزد، آن‌گاه لزوماً به حیات طیبه دست می‌یابد، و چنانچه کسی در چهارچوب سبک زندگی اسلامی حرکت کند، دیگر هیچ‌گونه رنج، الم، نگرانی و اضطراب به دلیل کمبودهایش ندارد و در این شرایط زندگی او آرام و عاری از هرگونه سختی خواهد شد.

دومین مؤلفه حیات طیبه: «رضا»

کنکاش در تفاسیر، ابعاد جدید از حیثه گسترده حیات طیبه و گستره عمیق سبک زندگی اسلامی را به روی ما باز می‌کند. یکی دیگر از برداشت‌هایی که حول محور حیات طیبه مطرح شده، تفسیر آن به زندگی توأم با رضای الهی است.

گزارش اجمالی از آرای مفسران: حیات طیبه «الرضا بما قسم الله» است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۶: ۴۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۳۹؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ب، ج ۱۱: ۳۹۵). تفاسیر دیگری که رضا به قضای الهی را ذکر کرده‌اند بسیارند، لکن ما تنها به ذکر همین موارد بسنده می‌کنیم.

تعریف مقام رضا: غزالی رضا به قضای خداوند را این‌چنین تعریف کرده است:

رضا ثمره‌ای است از ثمرات محبت و آن عالی‌ترین مقامات مقربان است که حقیقت آن بر بیشتر مردمان پوشیده است و از تشابه و ابهام که در آن است روشن نشود مگر کسی را که خدای عزوجل وی را تأویل آموزد و در دین فقیه گرداند. در بیان فضیلت رضا همین بس که حق تعالی فرمود: «رضی الله عنهم ورضوا عنه» (بینه: ۸)؛ خشنود شد خدای از ایشان و خشنود شدند ایشان از او؛ و آیات دیگری که در این زمینه وارد شده است و همگی در مدح

مقام رضا و بیان جایگاه راضیان به قضای الهی می‌باشد و همچنین وجود اخبار فراوانی که در این مجال یافت می‌شود که از جمله آن روایتی است از پیامبر ﷺ که طایفه‌ای از یاران را پرسید که شما چه کسانی‌اید؟ گفتند: مؤمنان. گفت: نشانه ایمان شما چیست؟ گفتند: در بلا صبر کنیم و در رضا شکر گوئیم و به مواقع قضا راضی باشیم. گفت: شما مؤمنانید به خدای کعبه (غزالی، بی‌تا، ج ۴: ۴۹۴).

از آنجاکه بنده از همه چیز غافل و به عاقبت هر امری جاهل است و خداوند عالم که آفریدگار اوست به خیر و صلاح هر امری دانا و لطف و رأفت او به هر کسی از حد بیان متجاوز است، آنچه در حق هر کسی مقدر کرده، خیر و مصلحت شخص در آن است؛ گرچه خود فرد سرّ آن را متوجه نباشد.

در خصوص شیوه نائل شدن به مقام رضا، ملاحظه آیات و اخباری که در رفعت مرتبه اهل بلا رسیده و همچنین مطالعه احادیثی که در اجر و ثواب مصیبت وارد شده، زمینه‌ای است تا انسان بدانند در پی هر محنتی راحتی و به دنبال هر بلایی اجری و عقب هر مصیبتی ثوابی است.

سومین مؤلفه حیات طیبه: «رزق روزانه»

منظور از رزق روزانه، رزقی است که انسان به جهت وصول آن متحمل سختی‌ها و رنج‌ها نشود و به واسطه لطف الهی میسر گردد، که این نوع روزی یقیناً حلال و از خبائث مالی به دور است.

برخی از مفسرانی که حیات طیبه را به رزق روزانه تفسیر کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابن جوزی (۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۸۲)، ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰ق، ج ۶: ۵۹۲)، عاملی (۱۳۶۰، ج ۲: ۱۸۵) و شبر (۱۴۱۰ق، ج ۳: ۴۴۶)، و تفاسیر دیگری که ذکر آن لازمه بحث ما نیست. رضایت به روزی هرروزه که از مصادیق حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی تلقی می‌شود، به معنای آن است که آدمی نباید خود را اسیر گذشته و آینده کند، بلکه برای داشتن زندگی آرام، باید انسان این‌زمانی و این‌مکانی باشد. البته این‌وقت بودن به معنای عدم تلاش و کوشش و تدبیر آینده نیست. در سبک زندگی اسلامی فرد می‌تواند هم راضی به رزق

روزانه و قسمت الهی باشد و هم از توانمندی‌های خود جهت تدبیر امور آینده استفاده کند و این دو هیچ تضادی با یکدیگر ندارند.

چهارمین مؤلفه حیات طیبه: «طاعت الهی»

شاید بتوان گفت یکی از بارزترین تفاسیر درباره حیات طیبه و مهم‌ترین تعبیری که می‌توان برای سبک زندگی اسلامی در نظر گرفت، تعبیر حیات طیبه به اطاعت امر خداست؛ چراکه دلیل خلقت انسان مترتب مراتبی است که نهایت آن را خالق یکتا در عبادت و بندگی منحصر فرموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادتم کنند.» از همین رو یکی از مصادیق حیات طیبه در تفاسیر، طاعت الهی ذکر شده است.

در ابتدا اجمالاً به گزارش برخی آرای این مفسران می‌پردازیم (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۸۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۹۴؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۱۹۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۹۷؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۱۳۶۸). تفاسیر دیگر برای عبارت «حلاوت طاعت» «عبادت توأم با روزی حلال و توفیق بر اطاعت» و «زندگی در اطاعت و فرمان‌برداری از اوامر خدا» را استفاده کرده‌اند. گفتنی است اطاعت و عبادت خداوند متعال منحصر در نماز خواندن و روزه گرفتن و انجام فرایض عبادی نیست. هرچند یکی از مهم‌ترین اقسام عبودیت، انجام واجبات و ترک محرمات است، با استناد به روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام که می‌فرمایند: «جعل الله سبحانه حق عباده متقدما علی حقه فمن قام لحق عباده وذلك یودی الی اقامه حقه» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۷۶)، درمی‌یابیم یکی از مهم‌ترین شقوق بندگی، حسن رابطه و تعامل سازنده فرد با هموعان خویش است؛ بلکه می‌توان گفت حق الناس مقدم بر حق الله است.

از مصادیق حق الناس که در سبک زندگی اسلامی برای حفظ شئون فردی و اجتماعی ملزم به رعایت آن هستیم می‌توان فهرست وار به این موارد اشاره کرد: پرهیز از سوءظن، عدم تجسس در کارهای پنهانی مردم، دوری از غیبت و افترا، کم‌فروشی و اسراف نیز از مصادیق حق الناس شمرده می‌شوند. درحقیقت با رعایت این موارد می‌توان به تعریفی منسجم از حیات طیبه دست یافت و به ارائه الگوی زیست اخلاقی نائل آمد.

پنجمین مؤلفه حیات طیبه: «سعادت»

هرچند انسان‌ها در همه اهداف و مقاصد زندگی خود اختلاف نظر دارند، می‌توان گفت همه افراد صاحب اندیشه در پی سعادت‌اند، اما در چستی «سعادت» و نیز چگونگی دستیابی به آن، گفته‌ها و راهکارهایی را بیان می‌کنند که به ندرت باهم منطبق می‌شوند. گفته‌های ایشان و شیوه‌های ارائه‌شده، آن قدر متفاوت و متضاد و گاهی متناقض‌اند که همگی گواه بر دشواری شناخت حقیقت سعادت‌اند. بنابراین همگان در یک هدف نهایی که همان وصول به سعادت و خوشبختی پایدار و ابدی است اشتراک نظر دارند، لکن باید دید در این راستا، حقیقت و مصداق سعادت و راه‌های وصول به آن از منظر قرآن شریف و آموزه‌های دین مقدس اسلام چیست.

دین مقدس اسلام به انسان هشدار می‌دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یک‌سره خود را به لذایذ و رنج‌های دنیوی منحصر کند، بلکه زندگی ابدی و جاودانه با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این انسان است که می‌تواند زندگی زودگذر و فانی یا سعادت جاودانه و ابدی و همیشگی را انتخاب کند.

گزارش اجمالی آرای مفسرانی که حیات طیبه را به سعادت تفسیر کرده‌اند: طبری (۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۱۴)؛ طنطاوی (بی‌تا، ج ۸: ۲۳۰)؛ حجازی (۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۳۷). در تعریف سعادت می‌گویند: «سعادت رسیدن به هر نوع کمال ممکن است که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را دارد» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵: ۱۵۵). به عبارت دیگر «سعادت عبارت است از استفاده صحیح، سالم و مشروع از نیروهای مختلف مادی و معنوی که پروردگار در تصرف و اختیار انسان قرار داده است» (ابن‌منظور، ۱۹۹۰م، ج ۳: ۲۱۳). علما و فلاسفه و اخلاقیون اسلامی می‌گویند: «به هر اندازه که انسان از کمال بهره‌بردار و به غایت خویش نزدیک شود، به سعادت رسیده است» (نراقی، ۱۳۷۸: ۱۸-۲۳).

قرآن کریم نیز شرایط و ویژگی‌های نیل به سعادت را در آیات اول تا یازدهم سوره مؤمنون به تفصیل تبیین کرده است. امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، می‌فرمایند: «هرگاه عقل طراوت و نشاط لازم را داشته باشد، رستگاری را به ارمغان می‌آورد و فقدان عقل، موجب تیره‌روزی

است» (آمدی، ۱۳۸۸، فصل ۳: بند ۴۰). علامه طباطبایی بنا بر نوع جهان‌بینی خود معتقدند سعادت هر موجود، دستیابی اوست به خیر وجودی خاصی که برای او مشخص شده است. از این رو سعادت انسان که موجودی مرکب از روح و جسم است، رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی‌اش و بهره‌مندی از آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق الف، ج ۹: ۹۱). هر چند سعادت غایی، همان سعادت اخروی است، باید دانست سعادت اخروی از معبر سعادت دنیوی حاصل می‌شود.

ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی (به معنای کلی خود) مقوله‌ای است که پیشینه‌ای به درازای آغازین روز پا گذاشتن انسان بر این کره خاکی دارد. همواره مکاتب بشری به دنبال ارائه ساختاری برای سبک زندگی هستند که بیشترین سود و بهره نصیب بشر شود و او را از آفات و موانع موجود در زندگی مصون بدارد؛ اما مسلم است که تنها برنامه‌ای می‌تواند جامع و کامل و قرین سعادت برای همه ابنای بشر باشد که از سوی آفریننده و خالق هستی صادر شده باشد؛ چراکه علم او نامحدود و محیط بر همه جوانب جسم و روح انسان است. لذا می‌تواند با علم و قدرت لایتناهی خود بهترین برنامه را برای زندگی انسان ترسیم کند تا او را به سعادت ابدی برساند.

۱. توجه به دو بعد روح و جسم

از آنجاکه انسان از دو ساحت روح و جسم برخوردار است، تنها دستورالعملی می‌تواند کامل باشد که به هر دو بعد وجودی او توجه کند و تأمین‌کننده نیازهای بشر باشد؛ در حالی که تمام مکاتب بشری به دلیل محدودیت گستره توجه خود، در اغلب موارد تنها به بعد جسمی انسان توجه کرده‌اند یا در اندک مواردی صرفاً بعد معنوی و روحی او را مهم دانسته‌اند؛ با اینکه برای تأمین سلامت یک انسان کامل می‌باید هم به بعد روحی و هم به بعد جسمی او توجه کرد؛ با این تفاوت که سلامت روح اصل است و سلامت جسم به‌عنوان مقدمه و ابزار برای رسیدن به سلامت روحی اهمیت دارد.

۲. عدالت محوری

در سراسر تشریحات قرآنی، بر عدالت و رعایت حقوق متقابل افراد و عدم تمایز میان جنس مرد و زن در دستیابی به زندگی سعادت‌مند تأکید شده است. آیه ۲۷۹ سوره بقره با تعبیر «لا تظلمون ولا تظلمون» و همچنین آیه ۲۸۰ همان سوره با عبارت «وان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة» و آیه ۹۷ سوره نحل که می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذكرا أو انثى و هو مؤمن فلنحيينه حياة طيبة» بیانگر این رویکرد در همه عرصه‌های انسانی‌اند.

۳. اهتمام به کرامت انسان

قرآن کریم در آیات متعددی کرامت ویژه‌ای برای انسان قائل شده و او را از تمام موجودات برتر می‌داند؛ از جمله در آیه هفتاد سوره اسراء، آیه ۲۷ سوره کهف، آیه ۳۲ سوره ابراهیم و آیه سی سوره بقره.

در همین راستا امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، در تفسیر آیه ۹۷ سوره نحل که انسان را بعد از ایمان و عمل صالح به حیات طیبه بشارت می‌دهد، همان‌گونه که در مطالب پیش بیان شد، یکی از مؤلفه‌های حیات طیبه را قناعت می‌دانند. روشن است زمانی که فردی در زندگی خویش قناعت پیشه می‌کند، از خواری احتیاج به دیگران و طمع و حرص در امان می‌ماند، که این خود از راه‌های حفظ کرامت انسانی است.

۴. زندگی نوأم با فرح و نشاط

شادی و نشاط در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد و به گونه‌های متفاوت قرآن آن را تأیید و به آن توجه می‌کند. حتی خداوند متعال گاهی امر به شادی می‌کند و می‌فرماید: «قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون» (یونس: ۵۸).

باید دانست نداشتن نگرانی، اضطراب و افسردگی و رسیدن به آرامش قلبی، اساس هر نوع شادی و نشاط است و این میسر نمی‌شود مگر با ایمان راسخ به وجود باری تعالی که سرچشمه همه نیکی‌هاست. بر این مهم در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره رعد تأکید شده است: «الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب» و همین‌گونه است در آیه ۹۷ سوره نحل که ایمان یکی از راه‌های دستیابی به حیات طیبه یا به عبارتی همان سبک زندگی اسلامی بیان شده است.

۵. نظام‌مندی و ضمانت اجرایی

قرآن کریم مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته و جامع از احکام و آداب دینی را برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی پیش روی بشر نهاده و ضمانت داده است که در صورت عمل به تمام این مقررات، هر فرد و جامعه‌ای به رستگاری خواهد رسید (مانده: ۱۶؛ اسراء: ۹).

۶. تمامیت و شمول

آموزه‌های قرآنی متناسب با همه نیازهای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و در یک کلام هرآنچه در مسیر سعادت به آن نیاز است طراحی شده و هیچ کاستی در آنها مشاهده نمی‌شود. خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء.» در همین راستا در تفاسیری که ذیل آیه ۹۷ همین سوره آوردیم روشن شد که حیات طیبه جامع تمام مؤلفه‌های سعادت و رستگاری انسان است، که از جمله آن به طاعت الهی و رضایت به قضای الهی اشاره کردیم.

۷. گستره وسیع مخاطبان

خطاب‌های قرآنی تماماً عام است و همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی مخاطب قرآن کریم هستند. این ویژگی منحصر به فرد قرآن به دلیل خاتمیت دین مبین اسلام است. از همین رو در آیه حیات طیبه نیز واژه هر مرد و زن وارد شده است؛ بدین معنا که همه ابنای بشر مخاطب پیام‌های قرآنی‌اند.

۸. جامعیت با محوریت سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، با استناد به آیه ۹۷ سوره نحل زمانی که انسان ایمان و عمل صالح را توأمان داشته باشد، احیا به حیات طیبه می‌شود و زندگانی قرین آرامش خواهد داشت که این خود یکی از عالی‌ترین دستورالعمل‌های قرآن و وصول به سبک زندگی اسلامی در حوزه فردی است. در حوزه خانوادگی نیز آیه ۲۱ سوره روم لطیف‌ترین و مهم‌ترین معیارهای زندگی زناشویی را بیان می‌کند. روشن است زندگی خانوادگی متعالی با رویکرد دینی محقق نمی‌شود، مگر با رابطه صحیح و سالمی که در میان زوجین شکل می‌گیرد.

قرآن کریم در آیه یازدهم سوره مبارک مجادله به آداب مجالست و معاشرت اشاره می‌کند که از اصول سبک زندگی اسلامی است. ده‌ها نمونه دیگر نیز ضرورت و لزوم استنباط سبک زندگی از قرآن کریم را روشن می‌سازد.

ویژگی‌های حیات طیبه

با بررسی آیات قرآن شریف به ویژگی‌های متعددی از حیات طیبه می‌توان رسید. برخی از این ویژگی‌ها به این شرح است:

۱. زندگی حقیقی

کسانی که به حیات طیبه می‌رسند، دل‌هایشان متوجه پروردگار است و جز تقرب او را دوست نمی‌دارند و تنها از سخط و خشم و دوری او می‌ترسند و در سبک زندگی خود، جز حسن و جمال چیزی نمی‌بینند. این چنین انسانی که به حیات طیبه رسیده، در نفس خود، به چنان نور و کمال و قوت و عزت و سروری می‌رسد که نمی‌توان اندازه‌اش را معین کرد؛ درحالی‌که مستغرق در حیات دائمی و زوال‌ناپذیر و نعمتی باقی و فناپذیر است. از این روست که خداوند این زندگی را به طیب توصیف کرده که حیاتی است خالص که خباثی در آن نیست. راه‌یافتگان به عالم عندالله از زندگی حقیقی در محضر خداوند که درحقیقت اثر و جلوه اسم حی است برخوردارند.

۲. جامع خیر دنیا و آخرت

عالم عنایت، نه در حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد، بلکه خیر آن بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از حیات طیبه در همین دنیا از آن بهره‌مندند: «فَعَنْدَاللهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (نساء: ۱۳۴). پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خداست.

۳. پایداری

بهره‌مندی از حیات طیبه، ابدی و ماندگار است و در حیات طیبه نابودی و فرسودگی وجود ندارد: «ما عندکم ینفد و ما عندالله باقی (نحل: ۹۶)؛ آنچه نزد شماست نابودشدنی و آنچه نزد خداست ماندنی است.»

۴. کمال وجودی

رسیدن به حیات طیبه تحول وجودی به سوی کمال است و این‌گونه نیست که میان راه‌یافتگان به آن عالم و درجات و کمالاتشان، جدایی وجود داشته باشد، بلکه صاحبان مقام عنایت، عین کمال بوده و خود، درجات آن عالم‌اند و برخورداری‌ها و بهره‌مندی‌ها از خارج وجودشان به آنان داده نمی‌شود، بلکه سیر به سوی حقیقت، وجود آنان را به سرچشمه کمال و جمال تبدیل کرده است.

۵. درک جایگاه کتب قدسی

قرآن کریم و سایر کتاب‌های مقدس در جهان عنایت بوده و کسی که به حیات طیبه برسد، آن را مشاهده کرده و از حقیقت آنها آگاه است: «ولما جاءهم کتاب من عندالله (بقره: ۸۹)؛ و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی به‌سویشان آمد»؛ «وعنده أمّ الکتاب (رعد: ۳۹)؛ نزد او ام‌الکتاب است»؛ «و عندنا کتابٌ حفیظٌ (ق: ۴)؛ و نزد ما لوح محفوظ است»؛ «وَأَنَّهُ فِي أُمَّ الکتاب لدینا لعلیٰ حکیمٌ (زخرف: ۴)؛ این قرآن در ام‌الکتاب نزد بلندمرتبه‌ای حکیم است.» همه حقایق عالم از سرگذشت و سرنوشت نیکان و بدان تا وقایع و حوادث جهان در آن نوشته شده و در مراتب بالا نزد پروردگار محفوظ است و مقربان بارگاه الهی و کسانی که به حیات طیبه رسیده‌اند آن را مشاهده می‌کنند.

خداوند علت پدیده‌هاست و با شناخت خداوند و درک حضور او، می‌توان آیات او را به‌درستی شناخت. افرادی که به حیات طیبه رسیده‌اند، ابتدا خدا را می‌بینند، آن‌گاه آیات و نشانه‌های او را به تماشا می‌نشینند (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۷۰). آنان همه آیات را نزد خدا می‌یابند و معنای حقیقی آیه بودن را می‌فهمند.

۶. علم

یکی از والاترین و برترین شاخصه‌های حیات طیبه و کسانی که به حیات طیبه زنده هستند دارا بودن علم است: «أَمَّا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ (احقاف: ۲۳)؛ علم، تنها نزد خداست»، و هرکس به علم حقیقی برسد، بهره‌مند الهی یافته و به جهان عنایت رهنمون شده است: «وَعَلَّمَانَا مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (کهف: ۶۵)؛ و از نزد خود به او علمی آموختیم.»

اهل بیت رسول خدا ﷺ، معدن و منبع این علم و سرآمد اهل حیات طیبه‌اند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «والله انا لخزان الله فی سمائه وارضه، لا علی ذهب لا علی فضة الا علی علمه (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۱۹۲)؛ به خدا سوگند که ما خزانه‌داران خدا در آسمان و زمینش هستیم؛ نه خزانه‌دار طلا و نقره، بلکه خزانه‌دار علم اویم.»

۷. روزی مخصوص

اهل حیات طیبه در عالم عنایت بهره‌هایی دارند که نمی‌توان درباره آن گفت‌وگو کرد. «عند ربهم یرزقون (آل عمران: ۱۶۹)؛ نزد خدا روزی دارند.» این رزق، تنها خوراک و پوشاک و باغ و بستان نیست، بلکه واردات و دریافت‌های مخصوصی است که قلب را زنده می‌کند و حیات طیبه را در عالم عندالله تداوم می‌بخشد.

۸. رحمت خاص

خدای تعالی رحمت عام و فراگیری دارد که همه هستی و مؤمن و کافر از آن برخوردارند، اما رحمت خاص او مربوط به عالم عنایت است. به همین دلیل، تنها اهل حیات طیبه از آن بهره‌مندند. درباره حضرت خضر علیه السلام وارد شده است: «آتیناهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا (کهف: ۶۵)؛ به او رحمتی از نزد خود بخشیدیم.»

عصر امروز عصر فرورفتن در لذایذ زندگی دنیوی و تبلور مادیات صرف و به عبارتی عصر اضطراب اندیشه‌هاست. از ره‌آورد این نگاه آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، چالش مادی‌گرایی، سرکوب معنویت و توجه محض به پیشرفت، تکنولوژی و صنعتی شدن است و متعاقب آن انسانیت و اخلاق فراموش شده است. در این اثنا نیز نباید از نقش عرفان‌های نوظهور در این سردرگمی بشری غافل بود. نتیجه آن انسان افسرده، مضطرب، بی‌هدف و بی‌مبناست.

تنها راه برون‌رفت از این فاجعه انسانی تقویت پایه‌های معنوی انسان از مسیرهای واقعی و نه با عرفان‌های کاذب است. این مهم جز با دست یازیدن به خالق هستی و تأمل در دستورالعمل‌های زیست الهی جهت وصول به زندگی حقیقی محقق نخواهد شد. از این رو قرآن بایدها و نبایدهای بسیاری برای زندگی دارد که رعایت آنها از عوامل شکل‌دهنده سبک زندگی دینی است.

باید دانست حیات طیبه شکل متعالی سبک زندگی اسلامی و یکی از برجسته‌ترین الگوهای قرآنی است. شاخصه‌هایی که در قالب ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه بیان شد رابطه بسیار وثیقی دارند و هریک از موارد مطرح شده ابعاد جدیدی از سبک زندگی دینی را که تحت ولایت خدا و با دستورهای آیات قرآن شکل می‌گیرند ترسیم کرده است. بنا بر آنچه در پیش نیز بررسی شد، حیات طیبه زندگانی حقیقی است که در این دنیا محقق می‌شود و مؤلفه‌های دستیابی به آن، خوانش کاملی از سبک زندگی اسلامی را ارائه می‌کند که قرین آرامش، رضایت، کرامت، عدالت و تمام ویژگی‌های زندگی سعادت‌مند است. امید است این پژوهش راه‌گشایی در زندگی سخت و پیچیده انسان قرن بیست و یک باشد.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ برای همه انسان‌ها این سؤال مطرح بوده است که هدف زندگی و سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان چیست.

در برخی آیات قرآن، سبک زندگی مورد تأیید اسلام بیان شده است. غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیراسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» است که تبلور سبک زندگی اسلامی است. باید دانست:

۱. حیات طیبه حیاتی جدید غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می‌کنند و در حقیقت می‌توان گفت زندگی حقیقی و واقعی است؛

۲. ظرف تحقق حیات طیبه، هم در دنیا است و هم در آخرت؛

۳. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب می‌شود سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی میسر شود؛

۴. از آثار «حیات طیبه»، افزون بر آرامش در زندگی و شعور و بینش و بصیرت شهودی،

زندگی انسان تحت ولایت خداست که در آن، سختی و ذلت و شقاوت راه ندارد؛

۵. از آنجاکه مبانی و محورهای موجود در آیات قرآن با رویکرد سبک زندگی اسلامی و

سعادت‌مندان انسان بسیار گسترده و عمیق است، شایسته است قرآن‌پژوهان و دانشمندان

علوم اسلامی در جهت تبیین این مبانی و اصول و ارائه راهکارهای عملی در راستای سعادت و کمال نوع بشر بیش از پیش به تحقیق و پژوهش پردازند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمدجواد شریعت (۱۳۸۰)، تهران، اساطیر.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربی.

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۰م). لسان العرب، بیروت، دار الفکر و دار الصادر.

ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط، صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی محمد (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن،

ترجمه جعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

بروجردی، سیدمحمدابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع، تهران، صدرا.

بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل، محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه.

بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بیات، محمدرضا (۱۳۹۰). دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل، محمد عبدالرحمن

المرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۸). غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷). جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، تهران، دانشگاه تهران.

جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۹۳). منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، ولای منتظر. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). تفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل جدید. خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم، تصحیح محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶ق). مفردات الفاظ القرآن، صفوان عدنان داوودی، قم، طلّیعه نور.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی. شبیر، عبدالله (۱۴۱۰ق). تفسیر القرآن الکریم، قم، دار الهجره. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۶۰). رساله الولایه، قم، مؤسسه اهل‌البیت، قسم الدراسات الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه. طنطاوی، سیدمحمد (بی‌تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، دار النهضة مصر للطباعة والنشر.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تهران، صدوق.

غزالی، محمد بن محمد (بی‌تا). احیاء العلوم الدین، تحقیق عبدالرحیم حافظ العراقی، بیروت، دار الکتب العربی.

غضنفری، علی، زهرا آریانی (۱۳۹۵). «رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طبیه از منظر قرآن»، تهران، همایش سراسری علمی - پژوهشی سبک زندگی.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فیضی، کریم (۱۳۸۸). زندگی و بس، تهران، اطلاعات.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة والنشر.

۳۰۰ پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی / سال دوم / شماره چهارم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
مظهری، محمدثناءالله (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری، پاکستان، مکتبه رشدیہ.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن
ابی طالب علیه السلام.

_____ (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
مؤدب، سیدرضا و ابراهیم رضایی آدریانی (۱۳۹۶). «ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن»،
پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، س ۶، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۲۸.
نخجوانی، نعمت‌الله بن محمود (۱۹۹۹). الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، مصر، دار رکابی
للنشر.

نراقی، احمد بن محمد (۱۳۷۸). معراج السعاده، قم، هجرت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی